

موضوعات مرزی در رویکرد فرارشته‌ای به طراحی محیطی در ایران از دیدگاه اساتید

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۲۸
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۴/۲۱

سینا رزاقی اصل *

چکیده

امروزه از مقیاس طراحی اشیاء و مبلمان گرفته تا طراحی منطقه‌ای و شهری، در داخل طراحی محیطی جای می‌گیرند. طراحان محیطی اعم از معماران، معماران منظر، برنامه‌ریزان و طراحان شهری، با مقولات و موضوعاتی فرا رشته خودشان ارتباط دارند. این مقولات که در حوزه‌ها و زمینه‌های تخصصی سایر علوم و فنون جای می‌گیرند، از اهمیت بسیار زیادی در رشد و توسعه مرزهای دانش و فناوری در سطح کشور برخوردارند. از این رو توجه ویژه اساتید و حرفه‌مندان رشته‌های طراحی محیطی به این موضوعات و بررسی روندها و رویه‌های به کارگیری صحیح و اصولی آن‌ها در میان مباحث اصلی رشته‌ای، حائز اهمیت است. این مقاله با هدف کنکاشی در شناخت مهم‌ترین موضوعات و مقولات فرارشته‌ای مطرح در طراحی محیطی، به بیان دیدگاه اساتید در این زمینه می‌پردازد. از روش‌های پیمایشی و تحلیل محتوا سود جست‌ه و سعی در معرفی حوزه‌های تأثیرگذار پیرامونی طراحی محیطی در رشد و توسعه این زمینه تخصصی دارد. مطابق این شیوه، پرسشنامه‌ای باز پاسخ از بیست استاد رشته‌های طراحی شهری، معماری و معماری منظر در سطح دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علم و صنعت ایران و در فاصله زمانی تیرماه تا مرداد ماه ۱۳۹۱ تهیه شد. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که پنج مقوله مرزی اکولوژی محیط، جهانی شدن، هویت ایرانی - اسلامی، اجتماع محلی و آموزش فرارشته‌ای جزء مهم‌ترین دغدغه‌های اساتید نسبت به موضوعات فرارشته‌ای طراحی محیطی در ایران می‌باشند. همچنین معرفی ضرورت توجه به نگاه‌های فرارشته‌ای و کاربرد موضوعات مرزی در طراحی محیطی نیز جزء دیگر نتایج این تحقیق به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: فرارشته‌ای، طراحی محیطی، موضوعات مرزی، میان رشته‌ای.

مقدمه

طراحان محیط با برخورداری از دانش و مهارت‌های ساماندهی و ارتقاء کیفیت محیط‌های بیرونی و درونی، نقش به‌سزایی در شکل‌دهی به سیمای سرزمین و آمایش آن ایفا می‌نمایند. اهمیت نقش و جایگاه طراحی محیطی در پایداری جوامع و پیشبرد اهداف کلان کشورها بر کسی پوشیده نیست (Leng, 2013, p. 21). با کنکاشی در موتور جستجوی قدرتمند گوگل و وارد نمودن عبارت طراحی محیطی، می‌توان دویست و ده میلیون سایت مرتبط را یافت. این در حالی است که امروزه مراکز و مؤسساتی که به امر تدریس و اشتغال مرتبط با طراحی محیطی در سطح دنیا مبادرت می‌ورزند، روزانه در حال افزایش بوده و آمار قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. این سطح از توجه به ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون طراحی محیطی، بررسی محورها و موضوعات مرزی^۱ متنوعی را در این زمینه تخصصی طلب می‌نماید. امروزه از مقیاس طراحی اشیاء و مبلمان گرفته تا طراحی منطقه‌ای و شهری، در داخل طراحی محیطی جای می‌گیرند. بنابراین حرفه‌ها و تخصص‌های زیادی از جمله طراحی شهری، طراحی منظر، معماری، برنامه‌ریزی شهری و طراحی صنعتی به عنوان طراحان محیط قلمداد می‌شوند. بخش مهمی از دستاوردهای رشته‌ای طراحی محیطی در عصر حاضر بر بنیان‌های عملی و تجربیات فردی طراحان استوار گشته است (Termer, 1997, p. 83). بر این اساس رویکرد فرارشته‌ای در تحقیق و طراحی در سالیان اخیر مطرح شده است. این رویکرد بر ساختار منطقی و موضوع‌های مرسوم در حیطه علمی متمرکز نمی‌شود، بلکه با قراردادن دانش آموخته و مهارت‌های گوناگون وی به صورت کانون توجه، ساختار جامعی از فعالیت‌ها و قابلیت‌های سه‌گانه (شناختی، گرایشی و مهارتی - رفتاری) را ماورای موضوعات، جایگزین ساختار منطقی و موضوعی علوم در حیطه رشته‌ها کرده و موردهای اخیر را فرع بر آن اصل قرار می‌دهد. امروزه طراحان محیط با زمینه‌های تخصصی متفاوت، نیازمند همکاری و تعامل با یکدیگر هستند. پیچیده‌تر شدن جوامع انسانی، ظهور فناوری‌های هوشمند و مجازی و ماهیت در حال تغییر فضاها از سویی و ماهیت گروهی و مشارکتی رشته‌های طراحی محیطی از سوی دیگر ضرورت توجه متخصصین طراحی محیط به موضوعات و مباحث میان رشته‌ای و فرارشته‌ای را ایجاب می‌نماید. برخی تحت عنوان گونه دو دانش و یا دانش ضمنی بر اهمیت آن در رشد و توسعه دانش طراحی تأکید ورزیده‌اند (Schon, 1983; Suwa et al., 1998). مطابق این رویکرد که مورد نیاز طراحان محیط است (Vernez Moudon, 1992)، کسب مهارت‌ها و دانش‌هایی از رشته‌های مجاور و گوناگون ضرورت دارد. چرا که در شرایط فقدان این تعامل، رویکردهای تک بعدی و بدون توجه به ماهیت همه‌شمول فضاها شهری و عمومی رواج یافته و محیط محصول تصادفی یک رشته و زمینه تخصصی خواهد بود. در صورت توجه به این رویکرد، آشنایی با نقش سایر رشته‌ها، نحوه کار کردن با آن‌ها و مفید بودن در فرآیند توسعه شکل خواهد گرفت. همچنان که تولید زمینه‌های تخصصی و بروز رویکردهای جدید در طراحی محیط‌های بیرونی نیز از دستاوردهای آن خواهد بود.^۲

این مقاله با هدف نشان دادن ضرورت توجه به ماهیت فرارشته‌ای طراحی محیطی، سعی در کسب نقطه نظرات اساتید طراحی محیطی نسبت به مهمترین موضوعات و مباحث فرارشته‌ای دارد. در بخش اول پس از بررسی کلی نسبت به ماهیت فرارشته‌ای طراحی محیطی، با بهره‌گیری از روشی پیمایشی، به طبقه‌بندی مهم‌ترین محورهای طراحی محیطی از دیدگاه اساتید این زمینه در ایران می‌پردازد. مروری بر پژوهش‌ها و نوشتگان در این زمینه نشان از ضرورت توجه به حوزه آموزش فرارشته‌ای در برخی رشته‌ها و تخصص‌های دانشگاهی مانند زبان، سلامت، روانشناسی و مدیریت دارد. به گونه‌ای که مدل‌های زیادی برای آموزش فرارشته‌ای در این زمینه‌ها ارائه شده است (Distefano, 2004; Smith & Gar-ey, 2007). در حوزه‌های طراحی محیطی عمده توجه انتشارات به مقوله منظر بوده است به گونه‌ای که پژوهش کل‌نگر مستقیم و مرتبطی با موضوع این مقاله مشاهده نمی‌شود. تحلیل فرارشته‌ای منظر، مناظر چند عملکردی، برنامه‌ریزی منظر و اکولوژی منظر اهم موضوعاتی است که با نگاه فرارشته‌ای در انتشارات بین‌المللی در سالیان اخیر مطرح شده‌اند (Klug, 2012; Fry, 2001; Jakobsen, 2004; Antrop, 2010). همچنین برخی از انتشارات به بررسی موضوعات تحقیق فرارشته‌ای در مقوله محیط زیست پرداخته‌اند (Sallis et al., 2002).

مرور سوابق نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش پیمایشی در خصوص نکات و محورهای برجسته و مهم در حوزه فرارشته‌ای در زمینه تخصصی طراحی محیطی انجام نشده است. این مورد با توجه به شرایط کشور ایران و ناسازگاری در جریان تعامل حرفه‌ای و دانشی میان رشته‌های طراحی محیطی، نیازمند توجه می‌باشد (Razzaghi Asl, 2011). در این ارتباط این پژوهش درصدد است تا به این سؤال مهم پاسخ دهد که اساتید ایران به عنوان صاحب‌نظران طراحی محیط، چه موضوعاتی را در ارتباط با رویکرد فرارشته‌ای به طراحی محیط مهم تلقی می‌نمایند؟ به عبارتی دیگر کدام موضوعات فرارشته‌ای در حل مسائل طراحی محیطی در ایران از اهمیت بیشتری برخوردارند؟ بر این مبنا فرض اصلی محقق بر این است که «نظر به اهمیت ویژه رویکردهای زیست محیطی و فرهنگی در اسناد و بیانیه‌های ملی و بین‌المللی، غالب متخصصین قائل به موضوعات فرارشته‌ای مرتبط با مسائل و محورهای فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی در طراحی محیطی می‌باشند».

۱. روش تحقیق

روش اصلی در جمع‌آوری داده‌های این تحقیق پس از شیوه‌های رایج آرشویی و کتابخانه‌ای، روش پیمایشی و با کمک شیوه پرسشنامه عمیق و ساختارمند است. مطابق این شیوه، پرسشنامه‌ای باز پاسخ از بیست استاد رشته‌های طراحی شهری، معماری و معماری منظر در سطح دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علم و صنعت ایران و در فاصله زمانی تیرماه تا مرداد ماه ۱۳۹۱ تهیه شد. پاسخ‌های این افراد به کمک روش تحلیل محتوای کیفی و مضمون مبنا، مورد مذاقه و بررسی قرار گرفت. از آنجا که در این تحقیق پژوهشگر در پی آن است که فارغ از ارائه باورها و تصورها، اجازه دهد که شرایط طبیعی محیط، دادها را تعیین کند و سپس نظریه‌ای از میان داده‌ها به تکوین برسد، واجد رویکرد نظریه مبنایی^۳ است. گوناواردنا و همکارانش (۱۹۹۷) برای اولین بار روش نظریه مبنایی را با تکنیک تحلیل محتوا مطابقت دادند. بر این مبنا و بر خلاف روش هنری (۱۹۹۱) در وهله نخست چارچوب تحلیلی استخراج نشد، بلکه از تحلیل داده‌ها، استنتاج شد (Gerbic & Stacy, 2005: 50). از آنجا که استخراج مقوله‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها مهم‌ترین هدف روش تحلیل محتوا است، تکنیک‌هایی برای کاربرد رویکرد نظریه زمینه‌ای در تحلیل محتوا به کار برده شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم به شیوه استراوس و کوربین استفاده شد. در این روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها همزمان صورت می‌گیرد. دو مرحله شناسه‌گذاری باز و انتخابی بر روی داده‌ها انجام شده است. بدین منظور ابتدا داده‌ها خط به خط خوانده شده و شناسه‌های باز، که همان کلمات بیان مستقیم و بدون تفسیر مشارکت کنندگان است، استخراج شد. شناسه‌های باز با شناسه‌های مفهومی، متضمن هم‌نشینی در صحنه واژگان قابل فهم مشترک، مقایسه شد و شناسه‌هایی که از نظر مفهومی شبیه یکدیگر بودند، یکی شدند. مقولات با یکدیگر مقایسه شدند و در صورت نیاز با یکدیگر ادغام شد. موضوعات نهایی شده مذکور به شیوه مقایسه‌ای و درک محتوا، مورد تحلیل قرار گرفته و سرانجام مقولات انتخابی ظاهر شدند.

۲. چارچوب نظری

۲-۱- طراحی محیطی

تاریخ حرفه شدن طراحی محیطی یک فرآیند مداوم را به سمت تخصصی شدن نشان می‌دهد. در گذشته شکل‌دهی محیطی به عنوان یک فن و مهارت کاربرد داشت. از این رو تفاوت روشنی میان معماری، معماری منظر، مهندسی و برنامه‌ریزی شهری وجود نداشت. بر این مبنا طراحی محیطی ریشه در کارآموزی و کار حرفه‌ای به منظور یادگیری یک شغل و تجارت داشته است (Onaran, 1996, p. 15). با انتقال از فرآیند کلاسیک به مدرن و با وجود تفکر و اندیشه جابه‌جایی از یک جامعه کشاورزی به جامعه سرمایه‌داری از طریق انقلاب صنعتی، حرفه معماری شروع به تغییر نمود (Frampton, 1992, p. 91). قدم‌های متنوعی در تحول و نهادینه شدن حرفه طراحی برداشته شد. مثلاً هنگامی که حرفه معماری، هویت متفاوتی یافت، تلاش‌های متنوعی در جهت حمایت و حفاظت از انگیزه‌ها، بهبود شأن اجتماعی و تأسیس ابزارهای آموزش رسمی مانند برنامه‌های آموزشی، سیستم آتلیه‌ای، کار در دفاتر معماری و سایر انجام شد.

امروزه حرفه‌های متنوعی در طراحی محیطی ایجاد شده‌اند. در مدارس طراحی، دانشجویان با نقش‌های حرفه‌ای متفاوتی مواجه می‌شوند. معماران منظر، به بررسی فرآیندهای طبیعی و زیست محیطی در طراحی شهر و فضاهای آن و نیز محیط‌های بکر و بیرونی شهر می‌پردازند. طراحان شهری به طراحی و ساماندهی فضاهای باز شهری، بافت‌ها و ساختار شهر مبادرت می‌ورزند. معماران با دارا بودن نقش سنتی خود به عنوان طراح ساختمان، امروزه به طراحی فضاها، مجموعه‌های ساختمانی، ساختمان‌های عمومی و خصوصی و بعضاً فضاهای شهری مشغولند. برنامه‌ریزان شهری در ارتباط با سایر شهرسازان به امر برنامه‌ریزی کاربری اراضی و تعیین سطوح تراکم و سرانه اشتغال دارند. اما همانطور که از ماهیت و عملکرد این رشته‌ها قابل استنتاج است، همگی به امر طراحی و برنامه‌ریزی برای محیطی مطلوب می‌پردازند.

امروزه در بیش از ۱۵ دانشگاه سراسر کشور، رشته‌های طراحی محیطی ارائه می‌شود. در برخی از این دانشگاه‌ها رشته‌های طراحی محیطی به طور هم‌جوار موجود بوده و نگاه‌های کمابیش فرارشته‌ای و میان رشته‌ای وجود دارد. به طوری که با بررسی تعداد اندکی از انتشارات اساتید و دانشجویان شامل مقالات و پایان‌نامه‌های این دانشگاه‌ها، می‌توان پی به بروز رویکردهای فرارشته‌ای نسبت به موضوعات شهری برد. اسکان‌های غیر رسمی، برنامه‌ریزی منظر، مکان، ارزش‌های اقتصادی، حوزه سلامت، فرهنگ ایرانی - اسلامی، میراث تاریخی، محیط زیست و موضوعاتی دیگر، جزء دغدغه‌های این انتشارات بوده‌اند (Razzaghi Asl, 2011).

به عنوان مثال در پژوهشی که توسط بریزبیتیا (۱۹۹۹)، استاد دانشگاه هاروارد انجام شد، تأثیر یک رویکرد میان رشته‌ای بر فرایند طراحی توصیف گردید. وی در مورد هم‌پوشانی معماری و معماری منظر در کتاب «درون - بیرون» بحث می‌کند. تأکید وی بر کشف محدوده میان رشته‌ها است که «آشکار می‌سازد چگونه ارتباطاتی که از مرزهای رشته‌ای تجاوز می‌کنند، می‌توانند در تعریف، غنا و گسترش یک رشته مؤثر و سهیم باشند» (Beilharz, 2004, p. 49).

۲-۲- رویکرد فرارشته‌ای^۴ به طراحی محیط

لاتوکا (۲۰۰۱) رویکرد فرارشته‌ای را به عنوان گونه‌ای از پژوهش میان رشته‌ای توصیف می‌کند. فرارشته‌ای فرمی جدید از میان رشته‌ای را هنگامی که سؤالات در حوزه بین رشته‌ها مطرح هستند، ارائه می‌دهد. این سؤالات ۲ ویژگی مهم دارند: ۱. برای معین کردن تشابهات در ساختارها یا ارتباطات بین نظام‌های اجتماعی و یا طبیعی متفاوت طراحی می‌شوند، ۲. تئوری‌ها، مفاهیم یا روش‌ها را از یک رشته وام نمی‌گیرند تا برای سایر رشته‌ها به کار گیرند، بلکه ترجیحاً فراتر از رشته‌ها رفته و قابل کاربرد در زمینه‌های زیادی هستند. این سؤالات در نظر دارند تا یک ترکیب یا چارچوب مفهومی از دانش را توسعه دهند و غالب اوقات یک پارادایم علمی را به کار می‌گیرند (Musachio et al., 2005, p. 330).

ایده فرارشته‌ای به دو ایده و پدیده نزدیک به هم مرتبط است. اولی پیشرفت خطی علم و دانش به طور سنتی که به ایجاد رشته‌ها و جدایی آن‌ها انجامیده است و دیگری پیشرفت خطی و تقسیمات کنونی دانش که به ارتباط و هم‌پوشانی میان رشته‌های جدید وابسته است. در تخصص فرارشته‌ای به طور همزمان دو ایده و حرکت فکری مخالف پیش گرفته می‌شود. در یک دسته تقسیمات جدای فضایی دانش و در دسته دیگر وجود رابطه بین رشته‌ها دنبال می‌شود. هدف این نوع پژوهش این است که فرم‌های مختلف دانش به طور جمعی ایده‌های خود را بیان کنند و تعامل میان رشته‌ها مطرح شود. آنچه در این رویکرد مهم است وحدت نیست، بلکه انسجام و ارتباط منطقی میان رشته‌های دانش است. نهایت رویکرد میان رشته‌ای به سمت ساده‌سازی دانش است، اما رویکردی که پاسخگوی پیچیدگی دانش و جهان امروزی باشد، نگاه فرارشته‌ای است. در این نوع نگاه ویژه، جستجو برای انسجام در دانش تولید شده محدود به جنبه‌های هم‌پوشانی کننده رویکردهای متفاوت رشته‌ای نیست. بلکه جنبه‌هایی که هم‌پوشانی ندارند در هر رشته باید مورد توجه قرار گرفته و با یکدیگر متصل شوند (Ramadier, 2004, pp. 423-425). به عنوان مثال هنگامی که از موضوعاتی چون مؤلفه‌های اجتماعی در طراحی محیطی بحث می‌شود، رویکردها و موضوعات تخصصی جدیدی چون سرمایه اجتماعی، مشارکت مردمی، اجتماع محلی و نظایر آن قابل طرح می‌باشند.

تقسیمات جدای دانش و مشکل نتیجه‌گیری در دستیابی به پیچیدگی، به طور زیادی محققین علمی را تشویق می‌کند تا به ورای مرزهای رشته‌ها بروند. مروری بر طرح‌های اجرا شده از معماران و طراحان مشهور نشان می‌دهد که در عمل برخی از طراحان محیط همچون تادائو آندو، لویی کان و دنی کاراوان با الهام از حوزه‌های دیگر همچون ادبیات و شعر و موسیقی دست به طراحی زده‌اند. مفهوم فرارشته‌ای اولین بار توسط ژان پیازه مطرح شد. بوهر اولین کسی است که این موضوع را مدل‌سازی کرد. در ۱۹۸۶ کنفرانس سیرت^۵ مهمترین اهداف این رویکرد را چنین مطرح کرد:

۱. نزاع بر سر تقسیمات جدای دانش،
۲. باریک کردن فاصله بین تحقیق و تصمیم‌گیری در رابطه با زندگی اجتماعی،

۳. آموختن تشابهات بین زمینه‌های مختلف دانش،

۴. امتناع از هر نوع تفکر کنترلی و منع‌کننده (Ramadier, 2004, p. 426).

در ۱۹۹۶، نیکولسکو، بیانیه فرارشته‌ای را تدوین کرد. بر این اساس «فرارشته‌ای در درون رشته‌ها و میان آن‌هاست، بین رشته‌های مختلف و ورای همه رشته‌ها است. هدفش درک جهان حاضر است و از الزامات آن وحدت دانش است». بر این اساس فرارشته‌ای بر مبنای سه جزء اصلی به وجود می‌آید:

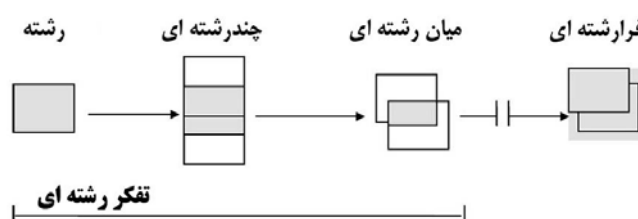
۱. پیچیدگی

۲. سطوحی از واقعیت

۳. منطق واژه سوم (به مفهوم منطق دوتایی هگلی نیست بلکه به معنای تعامل دو گروه مخالف است و مفهوم تز، آنتی تز و سنتز را ندارد بلکه عنصر کامل‌کننده در ارتباط با تعامل بین دو عنصر اول است) (Ramadier, 2004, p. 427).

هدف فرارشته‌ای تسلط یافتن بر موضوعی پیچیده توسط ساده‌سازی است. بر این اساس می‌توان سیر تکاملی از رویکرد رشته‌ای به فرارشته‌ای را در قالب شکل یک طبقه‌بندی کرد (شکل ۱).

شکل ۱: از رشته تا فرارشته



(Ramadier, 2004, p. 433)

این دیدگاه به نوعی ساختارشکنی در مقابل تقسیم رایج رشته‌ای قلمداد می‌شود. به این معنی که در ایده معمول و رایج رشته‌ای، دیدگاه تقسیم یک شیء و یا موضوع واقعی به یکسری واقعیت‌ها و یا موضوعات از طریق فیلتره کردن رشته‌ای و بازگشت این موارد به بالا، یک فرآیند ساده‌سازی است، اما در موضوعات پیچیده مانند یک شهر که مؤلفه‌های متنوعی دارد، عبور این مفهوم در وهله نخست از فیلتر رشته‌ای و تبدیل آن به موضوعات خاتمه نمی‌یابد بلکه به منظور وحدت دانشی و جمع‌بندی باید این موضوعات خود به موضوع و یا مفهوم واقعی ختم شوند (Ramadier, 2004, p. 433). علاوه بر این‌ها، پژوهشگران طراحی محیطی به فراخور موضوعاتی که با آن‌ها مواجه می‌شوند، فرضیه‌ها، مفاهیم یا روش‌ها را از رشته‌های دیگر وام می‌گیرند. عمده دلایل این رویکرد به تحقیق در طراحی محیطی را می‌توان، ماهیت پیچیده و در حال تغییر فضاهای عمومی و ساختمان‌ها و نیاز به تخصص‌های میان رشته‌ای در حل و توجه به نیازهای کاربران و مسائل اجتماعی، مشکلات ناشی از جهانی‌سازی و طراحی در زمینه‌های میان فرهنگی و کاربرد وسیع فناوری و گسترش ایده‌هایی همچون شهر مجازی و مناظر مجازی برشمرد. معماری و برنامه‌ریزی حوزه‌های خلاق و مناسبی برای انتشارات از نوع فرارشته‌ای به شمار می‌روند. ماهیت آن‌ها به عنوان رشته‌های چند رشته‌ای^۶ از سویی علوم اجتماعی و طبیعی را در برمی‌گیرد و از سویی دیگر بر تجارب عملی نظر دارد. همچنان که برنامه‌های آموزشی بر پایه حل مسائل چند بعدی استوار شده‌اند (Lawrence & Despres, 2004, p. 397). نظریه‌پردازان و نویسندگان مقالات در این حوزه، این شاخه را به عنوان روش جدید از تفکر در مورد رابطه میان دانش، علم و جامعه می‌نگرند و عمده دلایل نیاز به این رویکرد را چنین مطرح می‌سازند:

۱. چارچوب‌های هستی‌شناختی که پیچیدگی محیط مصنوع و طبیعی را نمی‌پذیرند.
۲. تخصص‌گرایی، جداسازی و خشک و اداری کردن دانش و تجربه
۳. فقدان انتقال و ارتباط میان حرفه‌مندان، سیاستمداران و مردم (Lawrence & Despres, 2004, pp. 398-399).
همچنین اهداف مشترک تحقیقات و مقالات فرارشته‌ای طراحی محیطی را می‌توان به قرار زیر برشمرد:
 ۱. تلفیق دانش‌های مختلف معماری، محیط زیست و برنامه‌ریزی
 ۲. تعامل و ارتباط میان رشته‌های مختلف
 ۳. تأکید بر الگوهای عمل محور
 ۴. تأکید بر راه حل‌های اجتماعی در مسائل تحقیق
 ۵. تأکید بر ارائه راه حل‌های یکپارچه برای مسائل پیچیده محیط زیستی (Lawrence & Despres, 2004, pp. 399-403).
نوزدهمین سمپوزیوم بین‌المللی اکولوژی منظر در سال ۲۰۰۴ بر ضرورت نگاه فرارشته‌ای به طراحی محیطی تأکید ورزیده و بیان می‌کند که «حل مسائل زیست محیطی جاری و آینده نیازمند رویکردهای فرارشته‌ای است که بتواند علوم اجتماعی، اکولوژیکی و کالبدی را به شیوه‌ای مناسب تلفیق و یکپارچه سازد» (Barghjelveh, 2006, p. 19). بنابراین، موضوعات و مقولات متنوعی در ورای رشته‌های طراحی محیطی، بر مبنای دیدگاه‌های تئوریک این رشته‌ها تأثیر گذراند. بخش زیادی از دانش حرفه‌ای رشته‌های طراحی محیطی برگرفته از مبنای و رویکردهای نظری سایر حوزه‌ها و علوم مختلف است. هدف از دانستن مبنای سایر رشته‌ها، تسلط یافتن بر حوزه‌های کارکردی آن‌ها نیست، بلکه تبیین پایه‌های مهارتی به منظور فهم نحوه برخورد با مسائل و ارزیابی تولیدات سایر رشته‌ها است.

۳. مفهوم موضوعات مرزی^۷ و کاربرد آن در طراحی محیطی

امروزه رشته‌ها تنوع قابل توجهی را در رویکردشان به الگوهای دانشی، تئوری‌ها، روش‌ها و سبک‌های گفتگو نمایش می‌دهند. کلارک (۱۹۸۳) مشاهده کرد که یک «واژگان مشترک» که به طرز روزافزونی محرمانه می‌شود و دیگران آن را مبهم می‌یابند و آن را زبان می‌نامند، در مرکز و هسته فرهنگ هر رشته‌ای قرار می‌گیرد (Frost & Jean, 1999, p. 4). تاکنون برخی روش‌ها برای کار میان رشته‌ای و فرارشته‌ای تعریف شده‌اند. یکی از ساده‌ترین آن‌ها کاربرد موضوعات مرزی بوده است. مفهوم یک موضوع مرزی نه فقط برای ترسیم مرزهای مفهومی میان اجتماعات یا فرم‌های دانش بلکه برای آزمایش حوزه‌های تعامل و اینکه چگونه معنا میان آن‌ها انتقال داده می‌شود، مفید است. برای مثال برای کمک به ایجاد ارتباط مردم با پیش زمینه‌های فکری و فرهنگی متفاوت، غالباً از یک موضوع اشتراکی؛ یک دیاگرام، مجموعه‌ای داستانی، یک دسته از کدهای کامپیوتری و یا مواردی مشابه بهره برده می‌شود (Gazan, 2004, p. 36).

«استار و گریزمر» (۱۹۸۹) موضوعات مرزی را برای نخستین بار چنین تعریف می‌کنند:

«ویژگی اصلی موضوعات مرزی تطابق‌پذیری و انعطاف‌پذیری آن‌ها از سویی در برابر نیازها و از سویی قطعی و محکم بودن آن‌ها برای حفظ هویت مشترک میان گروه‌ها می‌باشد. آن‌ها معانی متفاوتی در حوزه‌های اجتماعی گوناگون دارند اما ساختارشان به گونه‌ای است که معمولاً بیش از یک لغت بوده و قابل ترجمه می‌باشند» (Berman, 2007, p. 12). ایجاد و مدیریت آن‌ها فرآیندی کلیدی در ایجاد انسجام میان حوزه‌های متداخل مختلف مانند طراحی محیطی است. تعداد زیادی از موضوعات مرزی وجود دارند. برخی از آن‌ها ابزارهای فیزیکی هستند. برخی دیگر مستندات کاغذی هستند که

یکی از مهم‌ترین آن‌ها متون است. برخی نیز مانند مفاهیم و واژگان ملموس نیستند. به عنوان مثال در حوزه‌هایی مانند معماری می‌توان از «سایت طراحی» و در حوزه شهرسازی از مفاهیمی همچون «ترافیک» و «برنامه‌ریزی شهری» نام برد. همچنین در موضوعات شهری از «نمونه موردی» نیز می‌توان به عنوان یک مفهوم مرزی نام برد، چرا که یک سایت خالی از دیدهای متفاوتی چون بازار و یا نیروهای اکولوژیکی قابل مطالعه می‌باشد (Mieg, 2008, p. 23).

گوردو - لوپز (۱۹۹۶) سه ویژگی اصلی موضوعات مرزی را چنین بیان می‌کنند:

- آن‌ها می‌توانند هم مادی باشند و هم مفهومی؛
- آن‌ها فارغ از زمان و مکان میان مردم، دانش و فناوری هماهنگی ایجاد می‌کنند و
- در تحلیل روش‌های موردنظر و مطلوب گروه‌های میان رشته‌ای (مانند طراحان محیط) و نیز دانش و رویه‌های آن‌ها مفید هستند (Berman, 2007).

مفهوم موضوعات مرزی به دفعات در متون متفاوت به کار رفته است. هندرسون (۱۹۹۱) بر نقش «ارائه بصری» به عنوان موضوعات مرزی در دنیای طراحان تأکید می‌ورزد. کارستن و همکارانش (۲۰۰۱) بر نقش موضوعات مرزی در پیشرفت دانش پرسپکتیو اشاره می‌کنند. این موضوعات پدیده‌ای زیرساختی هستند که به وسیله افرادی بیشتر از یک جامعه در مورد تعاملشان به اشتراک گذارده می‌شوند. بر این اساس شاید بتوان از موضوعات مرزی به عنوان واژگان، ابزار و موضوعاتی نام برد که در سطح تماس میان دو یا چند حوزه قرار داشته و به وسیله آن‌ها می‌توان به اهداف مشترک میان طرفین تعامل رسید. به عنوان نمونه مفهوم مشارکت مردمی، امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات مرزی در حوزه‌های طراحی محیطی به شمار می‌رود که بر تعامل میان مردم و حرفه‌مندان تأکید دارد. مطابق اصول و رهنمودهای این رویکرد، مقولاتی چون حس مکان، تعلق خاطر، رنگ تعلق و نظایر آن در حوزه‌های عمومی تقویت و تسهیل می‌شود. موضوعات مرزی اهداف متفاوت و دیدهای متنوع افراد را تعدیل می‌کنند و آن‌ها را به عنوان ابزاری برای نظم و ترتیب و ترجمه حفظ می‌کنند. آن‌ها پویا هستند و قابلیت انطباق برای جا انداختن شرایط در حال تغییر را دارند. مفاهیمی شبیه موضوعات مرزی بوسیله پژوهشگران در یک تنوعی از سنت رشته‌ای مشخص شده‌اند. جامعه‌شناس عملکردگرا، پارسونز (۱۹۷۰)، از موضوعات مرزی تحت عنوان «حوزه تفسیر» یعنی جایی که بیشتر از یک طرح نظری ممکن است برای همان مجموعه روشن از پدیده‌ها به کار رود، نام می‌برد. هر محدوده توسط یک مرز تعیین می‌شود اما یک مرز آن نیست که چیزی در آن متوقف شود. بلکه چنانکه یونانیان یافتند، «مرز» آن است که چیزی از آن، هستی خود را آغاز می‌کند (Shahcheraghi, 2003, p. 36).

۴. یافته‌ها و بحث

از بیست استاد رشته‌های شهرسازی و معماری در سطح دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علم و صنعت ایران، سؤال زیر در غالب پرسشنامه باز پاسخ پرسیده شد.

«به نظر شما مهم‌ترین موضوعاتی که در حوزه علوم انسانی، هنر، فنی و مهندسی و علوم پزشکی مطرح بوده و در همه رشته‌های طراحی محیطی (شامل: معماری، معماری منظر، طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری) به طور مشترک جزء دغدغه‌های مطرح در سطح کشور ایران هستند، کدامند؟»

بدین منظور پرسشنامه‌ها در تیرماه ۱۳۹۱ در میان اساتید پخش و در مرداد ماه همان سال جمع‌آوری شد. برخی اساتید (۱۴ نفر) در پاسخ به این پرسش توضیحات مبسوط و تشریحی را ارائه نموده و برخی دیگر (۶ نفر) به ذکر واژگان و لغات تخصصی در این زمینه اقدام نموده بودند. بر این اساس، پژوهشگر با تکیه بر روش تحلیل محتوای مضمونی و مطابق شیوه مقایسه‌ای مداوم، در مرحله اول اقدام به شناسه‌گذاری باز نموده و لیستی از لغات مورد نظر اساتید را استخراج نمود. این مورد در جدول ۲ درج شده است.

جدول ۱: موضوعات مورد اشاره اساتید - شناسه‌گذاری باز

ردیف	کدگذاری باز (سطح اول)
۱	میراث ایرانی - فرهنگ اسلامی - سنت ایرانی
۲	اجتماع محلی - مشارکت - رفتار
۳	مدیریت - آموزش - تکنولوژی اطلاعات - توریسم
۴	اکوسیستم - منابع طبیعی - انرژی - زیست‌شناسی - سلامتی

لازم به توضیح می‌باشد که به منظور انجام روایی داده‌های تحقیق، در هر مرحله مجدداً از دو نفر از اساتید دیگر خواسته شد تا به شناسه‌گذاری مورد نظر بپردازند. نتایج این شناسه‌گذاری با شناسه‌گذاری محقق ساخته مقایسه و بیش از ۹۲٪ تطابق مشاهده شد. نتایج محورهای مورد اشاره در این بخش نشان می‌دهد که غالب اساتید موضوعات روز بین‌المللی و نیز دغدغه‌های جاری سطح کشور را به عنوان مهم‌ترین محورها مطرح نموده‌اند. موضوعات اجتماع محلی، فرهنگ اسلامی، سنت ایرانی، مشارکت در حوزه علوم اجتماعی و موضوعات منابع طبیعی، اکوسیستم، انرژی، زیست‌شناسی و سلامتی در زمره دغدغه‌های جهانی زیست محیطی به شمار می‌روند. به عبارتی دیگر توجه عمیق متخصصان و اساتید به این موضوعات نشان از اهمیت و ضرورت پرداختن به مباحث محتوایی و رویه‌ای مشترک میان طراحان محیط دارد. پس از این مرحله نوبت به شناسه‌گذاری انتخابی و قیاس مجموعه لغات و ظهور دسته‌بندی رسید. به منظور پالایش و انتخاب برخی لغات واجد اهمیت بیشتر و ابهام‌زا در حوزه‌های مشترک، معیارهایی از قبیل: مجموع فراوانی لغات به کار رفته در لا به لای پاسخ‌ها و نیز بررسی اینکه تا چه حد به نظر می‌رسد لغات مزبور واجد رویکردهای متفاوت هستند و کاربرد آن‌ها متفاوت است، به کار گرفته شد. در نهایت تعداد ۵ لغت به عنوان مقولات مرزی میان رشته‌های طراحی محیطی که به تعبیر دیگر واژگان و زبان مشترک رشته‌ها نیز محسوب می‌شوند، انتخاب شد. توضیح اینکه این مرحله تا سر حد اشباع نظری باید ادامه و تداوم یابد. بر این اساس، مطابق جدول ۳ که لیست نهایی موضوعات مرزی مشترک طراحی محیطی را نشان می‌دهد، این موضوعات مجدداً به اساتید مشارکت‌کننده در تحقیق بازگردانده شده و این عمل دو بار تکرار شد تا اینکه اشباع نظری توسط پژوهشگر و اساتید حاصل شد.

جدول ۲: موضوعات مورد اشاره اساتید - شناسه‌گذاری انتخابی

ردیف	کدگذاری باز (سطح اول)	کدگذاری انتخابی (سطح دوم)
۱	میراث ایرانی - فرهنگ اسلامی - انسان کامل - سنت ایرانی	هویت ایرانی - اسلامی
۲	انسجام اجتماعی - مشارکت - رفتار	اجتماع محلی
۳	جهانی‌سازی - تکنولوژی اطلاعات - توریسم	جهانی شدن
۴	مدیریت - آموزش	آموزش فرارشته‌ای
۵	اکوسیستم - منابع طبیعی - انرژی - زیست‌شناسی - سلامتی	اکولوژی (بوم‌شناسی) محیط

امروزه در نمونه‌های عملی اجرا شده از طراحی محیطی و نیز انتشارات مرتبط با این حوزه سهم وسیعی از محصولات به حوزه‌های اجتماع، محیط زیست و فرهنگ اختصاص یافته است. این در حالی است که یافته‌های این نوشتار پس از مرحله شناسه‌گذاری انتخابی اساتید نشان می‌دهد که مقولات حساس و با اهمیت در طراحی محیطی پیرامون موضوعات و دغدغه‌های زیست محیطی و اجتماعی - فرهنگی و پارادایم‌هایی چون جهانی شدن^۸ متمرکز است. مورد اخیر یعنی جهانی شدن در حوزه اقتصاد شهری و مقولات وابسته به آن باید مورد بررسی قرار گیرد. در این ارتباط موضوع آموزش فرارشته‌ای و نحوه تعامل با رشته‌ها و ذی‌نفعان مختلف در حوزه‌های طراحی محیطی مهم است. در این زمینه آموزش افراد با پیشینه‌های پژوهشی و آموزشی متنوع به گونه‌ای که بتوانند در تعریف و تقویت رویکرد فرارشته‌ای مؤثر باشند، ضرورت دارد.

۵. نتیجه‌گیری

امروزه رشته‌های طراحی محیطی در حوزه‌ها و سطوح مختلفی از محیط به ارائه برنامه و طرح می‌پردازند. هدف مشترک همه این زمینه‌های تخصصی، ارتقاء کیفیت محیط زیست برای انسان است. مطابق رویکردهای فرارشته‌ای به علوم و هنر که در طی سالیان اخیر از رشد چشمگیری برخوردار بوده است، ضرورت استخراج نگاه اندیشمندان و متخصصین طراحی محیطی در ایران ملموس می‌نماید. از این رو این مطالعه با بررسی کلی پیرامون مفاهیم و ذکر کاربردهای رویکرد فرارشته‌ای و میان رشته‌ای به طراحی محیطی، لزوم توجه جدی حرفه‌مندان را به کاربرد موضوعات مرزی در طراحی محیط خاطر نشان می‌سازد.

یافته‌های این نوشتار که بر مبنای کسب نقطه نظرات بیست نفر از اساتید رشته‌های طراحی شهری، معماری منظر و معماری در ایران، تنظیم شده است، نشان‌دهنده نکات زیر می‌باشد:

- مقولات محیط زیست، سلامتی، الگوی ایرانی، جهانی‌سازی، زمینه فرهنگی، انسجام اجتماعی، سنت ایرانی، مشارکت، مدیریت، آموزش، اکوسیستم و انرژی جزء مهم‌ترین مقولات مشترک و نیز فراپوشاننده در میان رشته‌های طراحی محیطی محسوب می‌شوند. بدین ترتیب جهت هدایت و روشنگری در زمینه‌ها و مقولات نامبرده، تعامل سایر رشته‌های تخصصی همچون پزشکی، محیط زیست، جامعه‌شناسی، معارف اسلامی، اقتصاد و انرژی، با حرفه‌مندان رشته‌های طراحی

شهری، معماری، معماری منظر، برنامه‌ریزی شهری ضروری می‌نماید.
 - نقش تفکر فرارشته‌ای در این مقاله به معنای بهره بردن از رهیافت چندگانگی است، رهیافتی که حاکی از میل به ایجاد وحدتی است که به تشریح جایگاه‌ها و مدل‌ها می‌انجامد و بازشناسی و گسترش مفاهیم چندگانه در طراحی محیطی را سبب می‌شود. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که تأکید بر موضوعات هویت ایرانی - اسلامی، اجتماع محلی، اکولوژی محیط، جهانی شدن و آموزش فرارشته‌ای در مباحث علمی و تخصصی دانشگاهی و حرفه‌ای می‌تواند مسیر تولید علم و پیشروی در مرزهای دانشی طراحی محیطی را در سالیان آتی هموار سازد.
 - پیشنهاد می‌شود تا برنامه‌های آموزشی و درسی طراحی محیطی در ایران به مسائل فرارشته‌ای با محوریت تحلیل‌های یکپارچه از ارتباطات میان دانش علوم اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی مجهز شوند.

پی‌نوشت

1. Boundary Concepts
2. Such as Landscape Urbanism or Digital Architecture
3. Grounded Theory
4. Trans-disciplinary Studies
5. CIRET
6. Multi-disciplinary
7. Boundary Concepts
8. Globalization

References

- Barghjelveh, S. (2006). Conceptual Framework for Scientific Research Program in Department of Planning and Designing The Environment, *Environmental Sciences* 12, 15-28.
- Berman, J. (2007). *Planners, Architects and Landscape Architects Designing New Orleans: Disciplinary Differences in Developing the United Plan*. Unpublished Thesis, Master in City Planning. Massachusetts Institute of Technology.
- Beilharz, E.D. (2004). *Understanding Landscape Urbanism*. Unpublished Thesis, Master of Landscape Architecture, the University of Texas.
- Haugaard Jakobsen, C., Hels, T., Mclaughlin, W. J. (2004). Barriers and Facilitators to Integration among Scientists in Trans-Disciplinary Landscape Analyses: A Cross-Country Comparison, *Forest Policy and Economics*, 6(1), 32-45.
- Di Stefano, L. D., Imon, S. S., Lee, H., Di Stefano, J. J. (2004). Bridging Differences: A Model for Effective Communication between Different Disciplines through Conservation Training Programs for Professionals. *City & Time*, 1(2), 1-10.
- Frampton, K. (1992). *Modern Architecture: A Critical History (World Of Art)*, Thames & Hudson.
- Gary, L.A. (2001). Multifunctional Landscapes—Towards Trans-Disciplinary Research, *Landscape and Urban Planning*, 57(3-4), 56-65.
- Gazan, R. (2004). *Creating Hybrid Knowledge: A Role for The Professional Integrationist*, Ph.D, Los Angeles: University Of California.
- Gerbic, P., Stacey, E. (2005). A Purposive Approaches to Content Analysis: Designing Analytical Frameworks, *Internet and Higher Education* 8, 45-59.
- Klug, H. (2012). An Integrated Holistic Trans-Disciplinary Landscape Planning Concept after the Leitbild Approach, *Ecological Indicators*, 23, 110-119.
- Sallis, J. F., Kraft, K., Linton, L. S. (2002). How The Environment Shapes Physical Activity: A Trans-Disciplinary Research Agenda, *American Journal of Preventive Medicine*, 22(3), 73-85.
- J. Lawrence, R., Despres, C. (2004). Introduction: Futures of Trans-Disciplinary. *Futures* 36, 397-405.
- Lang, J (2014). *Urban Design as A Profession and As Discipline*, In: Nature and Border of Urban Design, (S. Razzaghi-Asl, Ed.), Shahid Rajaei Teacher Training University.
- Sevenant, M., Antrop, M. (2010). Trans-Disciplinary Landscape Planning: Does The Public Have Aspirations? Experiences from a Case Study in Ghent (Flanders, Belgium), *Land Use Policy*, 27(2), 67-81.
- Meig, H. (2008). Professionalization and Professional Identities of Environmental Experts: The Case of Switzerland, *Environmental Sciences*, 5(1), 34-45.
- Moudon, A. V. (1992). A Catholic Approach To Organizing What Urban Designers Should Know, *Journal of Planning Literature*, 6(4), 115-127.
- Onaran, B. (1996). *Conceptions of Professional Identity in Design: The Social Construction of Skills, Knowledge & Professional Roles in Environmental Design Culture*, Unpublished Ph.D. Dissertation, University of Wisconsin-Madison.
- Ramadier, T. (2004). Trans-Disciplinary and Its Challenges: The Case of Urban Studies, *Futures*, 36(4), 123-132.
- Razzaghi-Asl, S. (2012). *Urban Designers and Landscape Architects Approaches to The Common Boundary Concepts in Place-Making*, Unpublished Ph.D. Dissertation, Tehran: Iust.
- Schon, D. (1983). *The Reflective Practitioner: How Professionals Think In Action*. New York: Basic Books.
- Suwa, M., T. Purcell, And J. Gero. (1998). Macroscopic Analysis Of Design Processes Based On A Scheme For Coding Designers' Cognitive Actions, *Design Studies* 19, 455-483.
- Smith J., Garey, G. (2007). What Is The Role Of An Interdisciplinary Researcher?, *Int. J. Epidemiol*, 2007,1(1), 15-23.
- Shah Cheraghi, A. (2004). Limitless World, Limitless Space, *Memari- Shahrsazi Journal*, 70, 23-31.
- Turner, T. (1999) *the City as Landscape* (F. Nourian, Trans.). Tehran: Urban Planning Publisher.

